

پاسبانان حیا

قدیمی‌ها تعریف می‌کنند که ما هیچ‌وقت رویمان با پدرمان باز نبود، یعنی در حضور او هر طوری نبودیم و هر کاری نمی‌کردیم و همیشه از ناراحت‌شدنش واهمه داشتیم.

احترام بزرگ‌تر را حفظ کردن، جزو اولین درس‌هایی است که افراد از بچگی می‌آموزند. احترام چیزی فراتر از اطاعت است، یعنی اینکه انسان در برابر پدر و مادر کاری نکند که باعث رنجش آنان شود و همیشه هوای آنان را داشته باشد و همین درس، پایه تقوا و پرهیزکاری است. در حالی که پدر و مادر واسطه وجود ما در این دنیا هستند اما خداوند بزرگ، خالق ماست. پدر و مادر همیشه و همه‌جا با ما نیستند اما خدای تبارک و تعالی همیشه و همه‌جا با ماست و در همه حال در پیشگاه او هستیم و در محضر او قرار داریم. درس اولیه تقوا همین است که برای رعایت مسائل مختلف آگاه باشیم ما را می‌بیند. گاهی می‌گویند اگر بچه‌ای ما را ببیند خیلی از کارها را انجام نمی‌دهیم و حال آنکه ما در حضور بزرگ‌ترین بزرگ هستیم و باید شرم این حضور، مانع شود که دست به خیلی از کارها بزنیم و همین شرم و حیا بزرگ‌ترین عاملی است که انسان را از گناهان حفظ می‌کند و بزرگ‌ترین بلا هم گرفته‌شدن همین شرم و حیاست.

رسول خدا^(ص) می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا يَنْزَعُ اللَّهُ مِنَ الْعَبْدِ الْحَيَاءُ ثُمَّ يَنْزَعُ مَنَّهُ الْأَمَانَةُ ثُمَّ يَنْزَعُ مَنَّهُ الرَّحْمَةُ ثُمَّ يَخْلَعُ دِينَ الْأِسْلَامِ عَنْ عُنُقِهِ فَيَصِيرُ شَيْطَانًا لِعَالَمِينَ» یعنی اولین چیزی که خداوند از بنده می‌گیرد، حیاست. سپس از او امانت را و در پی آن، رحمت را می‌گیرد و درنهایت، خداوند دین را از وی برمی‌دارد و در این حال انسان، هم‌ردیف با شیطان لعین است. یعنی اگر این حیا از انسان گرفته‌شود، همه چیز از او گرفته می‌شود.

در روایات دیگر هم آمده است که کسی که حیا ندارد، اصلا دین ندارد! حالا می‌فهمیم که چرا مظاهر مختلف این صفت انسانی از دیرباز مورد تأکید بزرگان اخلاقی و دینی بوده است و همیشه در میان اهل فکر و فرهنگ، جزو عناصر مهم فرهنگی شمرده می‌شده است. گیاه مبارک حیا در سرزمین ایمان می‌روید و میوه‌های آن تقوا و حسن عاقبت خواهد بود. کلمه عفت در بسیاری از اوقات بعد از کلمه حیا می‌آید، در حالی که حیا یک جنبه درونی دارد و عفت بروز و ظهور بیرونی پیدا می‌کند، چشم‌پوشی از گناهان مختلف، همگی می‌توانند مصادیقی از همین عفت باشد که انسان چشم از ناپاکی‌ها و حرام خدا ببندد و دامن خویش را از آلودگی‌ها حفظ کند که همین عمل درنهایت پرهیزکاری نام می‌گیرد و پاک‌دامنی را به ارمغان می‌آورد.

پس همیشه باید مواظب این صفت بزرگ انسانی بود و ملازم این جنبه الهی گردید و همیشه تاپای جان پاسبان پرده حیا شد که امیر مؤمنان می‌فرمایند: «اتَّقِ اللَّهَ بَعْضُ التَّقَىٰ وَإِنْ قُلٌّ، وَاجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَإِنْ رَقٌّ،» یعنی تقوا و پرهیزکاری پیشه کن هرچند کم باشد و میان خود و خدا پرده‌هایی قرار ده، هرچند نازک باشد. همین پاسبانی از پرده شرم و حیاست که حافظ انسان می‌شود و خویشتن‌بانی را ثمر می‌دهد و انسان را ساکن بهشت جاودانی می‌کند.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بپرس و بدان

تشخیص نحوه نماز خواندن



در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ با ما در ارتباط باشید.

● درد زانو دارم، می‌خواهم بدانم کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، بین روی زمین نمازخواندن و روی صندلی نشستن، کدام را می‌تواند انجام بدهد؟

● آیت...العظمی خامنه ای:

باید نشسته نماز بخواند و در صورتی که قادر به سجده به نحو متعارف باشد، باید به نحو متعارف سجده را انجام دهد. در غیر این صورت اگر قادر به گذاشتن مهر روی دسته صندلی یا چیز دیگر مانند بالش یا چهارپایه و سجده بر آن است، باید سجده را بدین نحو انجام دهد و هر مقدار که می‌تواند باید مواضع هفتگانه از جمله انگشتان شست پا را روی زمین بگذارد و نمازش صحیح است.

● آیت...العظمی مکارم شیرازی:

چنانچه نشستن روی صندلی سبب شود قیام و رکوع را به‌طور معمول انجام دهد، مقدم است، اما اگر این دو را نتواند انجام دهد، نشستن روی زمین به‌طوری که سجده را کامل انجام دهد، مقدم است. چنانچه امکان این باشد که کف دست‌ها را روی صندلی یا میز بگذارد، لازم است رعایت کند.

● آیت...العظمی سیستانی:

اگر می‌تواند ابتدا بایستد باید بایستد و تکبیرة الاحرام را بگوید، سپس اگر نمی‌تواند روی صندلی بنشیند و ادامه دهد. پس اگر رکوع و سجود را که می‌تواند به‌طور طبیعی انجام دهد چنین کند و اگر نه، در حال نشسته برای رکوع و یا سجده اشاره کند.

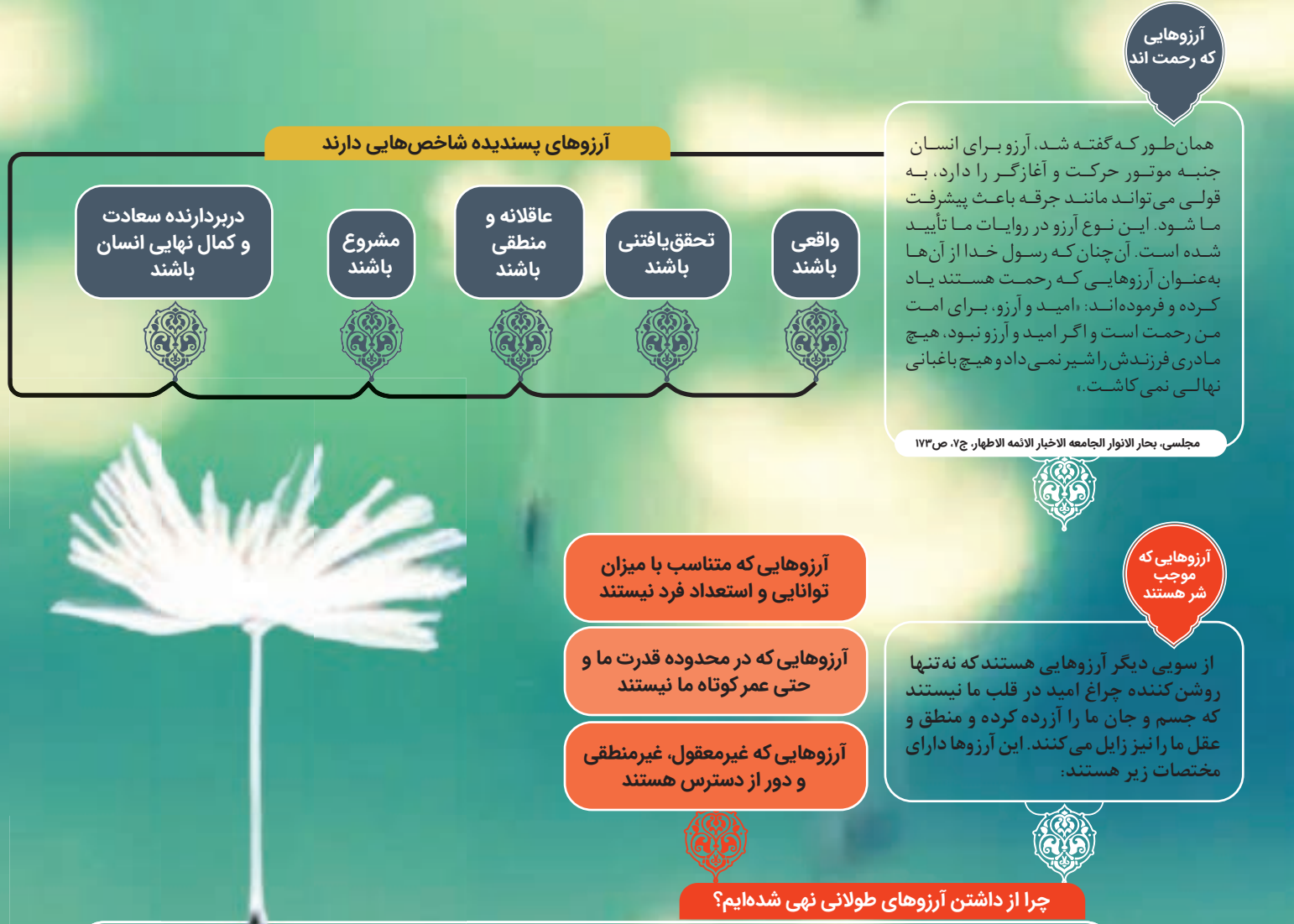
● آیت...العظمی شبیری:

برای سجده اگر می‌تواند که هفت عضو را روی زمین بگذارد باید نشسته نماز بخواند و اگر در فرضی بیشتر می‌تواند اعضا را روی زمین بگذارد، بنابر احتیاط آن مقدم است وگرنه بین نشستن روی زمین و صندلی مخیر است. بنابر احتیاط باید سطحی که دستش را روی آن می‌گذارد، تمام کف دست را بپوشاند.

حدیث آرزومندی و الطاف خداوند

نگاهی به آیات و روایات درباره جایگاه آرزوهای گوناگون

حمیده خلیل‌زاده! آرزو وقتی به‌معنای اشتیاق قلبی برای رسیدن به‌هدفی است، معمولاً هم‌ردیف امید قرار می‌گیرد و زمانی که به‌معنای در سر پروراندن ایده و فکری است، بیشتر تداعی‌کننده هدف یا چشم‌انداز ما در باره آینده است. برای ما انسان‌ها آرزو معمولاً روشن‌کننده موتور انگیزه و شوق است. انگیزه و شوقی که ما را به‌سمت برنامه‌ریزی برای هدفی ترغیب می‌کند. شما ممکن است تمایل داشته باشید که در مکان دیگری قرار بگیرید، یا چیزی را که بهتر است به‌دست آورید. هر کسی ممکن است رویاهای متفاوتی درباره شغل خود، موقعیت اجتماعی یا حتی مسائل شخصی‌اش داشته باشد. باوجوداین، همین موتور شوق و جرقه حرکت، گاه می‌تواند ضربه‌زننده و آسیب‌زا باشد. درست مانند دارو که مفید است اما اگر در جای اشتباه یا به مقدار اشتباه استفاده شود، می‌تواند نتیجه‌اش بیماری و مرگ باشد. این همان معنایی است که در آیات و روایات اسلامی نکوهش شده است و ائمه معصوم^(ع) از آن با اصطلاح، طول امل، به‌معنای آرزوهای طولانی یاد کرده‌اند. در ادامه بیشتر به این مفهوم و تأثیرات آن می‌پردازیم.



چرا از داشتن آرزوهای طولانی ن‌هی شده‌ایم؟

آرزوهای ناپسند به دل‌بستگی‌هایی گفته می‌شود که بیشتر ذهنی، غیرمعقول هستند و دسترسی به آن‌ها بسیار بعید است. براساس آیات و روایات، آرزوهای طولانی که معمولاً غیرمعمول و نامتناسب با ساختار زندگی انسانی و دنیوی ما هستند، جز غم و غصه و حسرت برای ما ثمره‌ای ندارند و می‌توانند ما را به ورطه گمراهی انداخته و حتی از حدود شرع و چارچوب دین خارج کنند. امیر مؤمنان(ع) در این باره می‌فرمایند: «هر کس آرزویش را طولانی کند عملش را زشت و ناپسند می‌گرداند.»

سیدرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶

پیامبر اکرم^(ص) در جمع اصحابشان سه عدد چوب را گرفت، یکی را پیش روی خود در زمین فرو کرد، دیگری را در کنار آن و سومی را در فاصله دورتر، سپس فرمودند: آیا می‌دانید این چیست؟ عرض کردند: خدا و رسولش آگاه‌ترند، فرمودند: (چوب اول) انسان است و این (چوب دوم) سرآمد عمر است و این (چوب سوم که در نقطه دوری در زمین فرو شده بود) آرزوهای دراز انسان است، پیش از آنکه انسان به آرزوهایش برسد، دست اجل گریبانش را خواهد گرفت.

مرگ را فراموش می‌کنیم

داشتن رؤیایی که از محدوده توان آدمی و عمرش بیرون است، گاه منجر به فراموشی این حقیقت می‌شود که زندگی ما در این دنیا موقت است و مرگ در پایان راه این دنیا منتظر ماست تا ما را به‌سمت زندگی وسیع‌تر هدایت کند. امیرمؤمنان علی^(ع) در این باره می‌فرمایند: «آرزوی طولانی، آخرت را از یاد می‌برد.»

کلبی، محمدبن یعقوب، اصول من الکافی، ج۱، ص ۴۴

زندگی به کاممان تلخ می‌شود

هر قدر آرزو بزرگ‌تر باشد، آمادگی مقدمات آن دشوارتر بوده و زحمت بیشتری می‌طلبد. انسانی که آرزوی محال دارد درگیر یک مبارزه دائمی با محدودیت‌ها و تنگناهاست. از طرفی باید از آسایشش بزند و از دیگر سو باید به اطرافیانش سخت بگیرد. امیرمؤمنان علی^(ع) در این زمینه می‌فرمایند: «کسی که آرزوهایش زیاد باشد، سختی و رنج افزونی خواهد یافت.»

از واقعیت فاصله می‌گیریم

برای رسیدن به آرزوهای محال و طولانی ناچاریم واقعیت ممکن خود را نادیده بگیریم. این عمل در طولانی‌مدت می‌تواند باعث این شود که چشمانمان را روی واقعیت زندگی ببندیم و قوه منطق و بصیرت خود را از دست بدهیم. امام علی^(ع) می‌فرمایند: «آرزوهای باطل، چشم بصیرت را کور می‌کنند.»

عبد الواحد، آفندی، تصنیف غر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷

آرزوهای طولانی چه بر سر ما می‌آورند

ممکن است به گناه بیفتیم

با یک حساب دودوتا چهارتا هم می‌شود فهمید که رسیدن به آرزویی که در چارچوب عقل و منطق نیست، یعنی ورود به مسیری بیراهه که نتیجه‌اش هر چیزی می‌تواند باشد. بستن چشم بر روی حقوق دیگران، خوردن مال یتیم یا کم‌فروشی و دادن رشوه، هر کدام می‌توانند ثمره آرزوهای طولانی باشند که ما برای رسیدن به آن‌ها خود را به هر آب و آتشی می‌زنیم. این چنین است که در روایت ذکر شده است: «کسی که آرزویش دراز باشد، عملش بد می‌شود و کسی که آرزویش کوتاه باشد عملش نیک خواهد بود.»

عبد الواحد، آفندی، تصنیف غر الحکم و درر الکلم، ص ۳۳

سرخورده و ذلیل می‌شویم

زمانی که قرار است از دایره عقل خارج شویم و برای ناممکن‌ها بجنگیم، اصلاً بعید نیست که گرفتار سرخوردگی و یأس شویم. درست مثل انسانی که به دیوار مشت می‌کوبد یا شخصی تشنه‌ای که به دنبال سراب است. این رفتار نتیجه‌ای جز سرخوردگی و خواری نخواهد داشت. امیرمؤمنان علی^(ع) در این زمینه می‌فرمایند: «خواری مردان در ناکامی آرزوهاست.»

سرخورده و ذلیل می‌شویم

کلبی، محمدبن یعقوب، اصول من الکافی، ج ۲ ص ۳۳۹

چطور از شر آرزوهای محال خلاص شویم

آخرت را فراموش نکنیم و به یاد داشته باشیم هدف اصلی ما جمع‌آوری توشه برای زندگی ابدی است

حواسمان به فرصت کوتاه بین زندگی و مرگ باشد

خودمان را بشناسیم و محدودیت‌هایمان را به عنوان یک بشر بپذیریم

واقع‌بین باشیم و در زمان تعیین اهدافمان بر طبق واقعیت‌ها، استعداد و امکاناتمان تصمیم بگیریم

از عاقبت آرزوهای محال درس بگیریم

به دنیا دل‌بستگی و وابستگی نداشته باشیم